

عنوان فوق شعار سومین کنگره متخصصان علم اطلاعات در سازمان اسناد و کتابخانه ملی در تاریخ ۱۴ و ۱۵ آبان ۱۳۹۶ بود که من در جلسه افتتاحیه آن مطالب زیر را بیان کردم. داستان سخنرانی من از اینجا شروع شد که به دبیر محترم علمی پیشنهاد کردم با توجه به اینکه من شاهد موفقیت‌ها و شکست‌هایی در این رشته بوده‌ام علاقه‌مندم در موضوع آسیب‌شناسی و آسیب‌پذیری علم اطلاعات و دانش‌شناسی سخنانی ارائه کنم. پاسخ دریافتی من این بود که چون موضوع حفظ و اشاعه میراث مکتوب، میراث دیجیتال است بهتر است در این موضوع صحبت شود و من هم چنین کردم.

در این سخنرانی اشاره کردم که نظر به اینکه کنگره مربوط به متخصصان علم اطلاعات است، با توجه به عناوین جلسات تخصصی اعلام شده آن که در این دو روز برگزار می‌شود چند موضوع مورد غفلت قرار گرفته است که به نظر من لازم است تا در کنگره‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد: اول توجه به مبانی نظری است که با توجه به اینکه این حوزه از فقر مبانی نظری رنج می‌برد، باید در این زمینه کار شود. همچنانکه در دنیا هم افرادی چون باکلند و باد و یورلاند و بقیه به شدت کار می‌کنند. در چند سال گذشته سمیناری در مبانی نظری در کتابخانه ملی برگزار شد که لازم است استمرار یابد. اگرچه در این زمینه کمتر کار شده است ولی علاقه‌مندان خاص خود را دارد.

موضوع دوم توجه به ربط این رشته با اسناد بالادستی و حوزه‌های متناظر آن است. اطلاع و اطلاع‌رسانی و به‌ویژه با نام جدید رشته، علم اطلاعات و دانش‌شناسی دارای برد وسیعی است که معلوم نیست مسئولان و تصمیم‌گیرندگان تا چه اندازه با آن آشنا هستند و چون در این باره چیزی نمی‌دانند هویت آن مورد غفلت آنها قرار می‌گیرد. این نه تنها به مسئولان برمی‌گردد بلکه به خود داعیه‌داران این رشته نیز مربوط می‌شود که نمی‌دانند فی‌الواقع از چه دفاع می‌کنند. آیا مانند آچارفرانسه هستند که به درد هر کاری می‌خورند و یا خدمتگزاری هستند که باید نگاه کنند مردم در حوزه‌های مختلف علمی و اجتماعی چه می‌خواهند تا خواسته‌هایشان را برآورده کنند و یا اینکه خود واجد اصالتی هستند که می‌توانند بین حوزه‌های دیگر از خود دفاع کنند. دیویی اعتقاد داشت که کتابداران حافظان نظم موجود و دروازه‌بانان اطلاعات‌اند و آنها را نشاید که در متن ورود پیدا کنند. اما تردینیک^۱ (۱۳۹۵) می‌گوید کتابداران برای ادامه حیات علمی و

1. Luke Tredinnick

کاری باید خود را بازتعریف کنند و در متن ورود پیدا کنند و دستیار محققان باشند و یا اینکه سرگرم استفاده از ابزارهای جدید پژوهش با توجه به گستردگی آن باشند و متقاضیان را در استفاده از آنها آموزش دهند.

سوم اقتصاد اطلاعات است که هیچ حوزه‌ای بهتر از رشته‌ما نمی‌تواند عهده‌دار آن شود و چنانچه متخصصان ما با اقتصاد اطلاعات آشنا باشند با ضمیمه شدن مدیریت به آن می‌توانند نواقصی را بیوشانند تا شاید در تصمیم‌گیری‌ها، مدیریت کلان در این رشته به صاحبان اصلی آن واگذار شود. آینده‌پژوهی و نظائر آن باز از مواردی است که باید در دستور کار کنگره‌های بعدی باشد.

نکته بعد اینکه فضای مجازی بسیار مهم است. الان ما اغلب کارهایمان را از طریق فضای مجازی انجام می‌دهیم و این واقعیت است و هرگز نمی‌تواند مجاز در برابر حقیقت باشد. به نظر می‌رسد ترجمه این اصطلاح به فارسی درست نیست و نمی‌تواند این حقیقت و یا واقعیت در زندگی را منعکس کند. می‌گویند چه بسا تا چند سال دیگر ما در دنیا ۳۰ میلیارد قطعه هوشمند داشته باشیم که ناگزیر از استفاده آنها در زندگی هستیم و لذا چطور می‌توانیم آن را مجازی بنامیم؛ ما هم اکنون بسیاری از مکاتباتمان و معاملاتمان در فضای به اصطلاح مجازی انجام می‌شود. از این رو لازم است به فکر واژه‌ای جایگزین باشیم. این اصطلاح ترجمه virtual هم نیست زیرا این کلمه در انگلیسی از قدرت و استحکام و خوبی و مانند آن خبر می‌دهد و ما چرا آن را به مجاز تعبیر کنیم. بنابراین چون حوزه ما سر و کار زیادی با این فضا دارد چه خوب است که به فکر واژه جایگزین باشیم و امید است واژه‌ای مناسب پیدا شود. مانند فضای رقومی، فضای نوری، بستر دیجیتال و یا بستر رقومی و یا آئینه الکترونیک یا فضای هوشمند و یا هر پیشنهادی دیگر.

نکته سوم عنوان کنگره است: «حفظ و اشاعه میراث مکتوب؛ میراث دیجیتال» که در آن حفظ و اشاعه میراث مکتوب مشخص است اما حفظ و اشاعه میراث دیجیتال قدری ابهام دارد و باید رفع ابهام شود. البته ما منابع غیرمکتوب در گذشته داریم که باید آنها را حفاظت کنیم ولی آیا آنها دیجیتال نامیده می‌شوند و یا منظور این است که از این به بعد هر چه دیجیتال می‌شود را باید حفظ کنیم و در این صورت آیا آنچه را اکنون خلق می‌کنیم می‌توانیم میراث بنامیم؟ که خود قابل تأمل است و یا اینکه منظور محمل (فرمت)هایی است که به سرعت عوض می‌شود و ما باید در انتقال دانش موجود در هر نسلی از فناوری به نسل دیگر دقت لازم را بنمائیم و در این صورت سخت به فناوری رایانه و مانند آن نیازمندیم. و یا منظور رقابت‌های سالم و ناسالمی

است که در محیط دیجیتال به وجود می‌آید و آیا حفظ و اشاعه از این موارد منظور است؟ البته این نکته حاوی پیامی است که ما هر چه در زندگی تولید کنیم روزی سرانجام میراث خواهد شد و ممکن است به نفع ما و یا به ضرر ما تمام شود. این نکته یادآور این آیه شریفه است که «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (سوره ق، آیه ۱۱) یعنی هر گفتار و یا ایما و اشاره و نگاه ما ممکن است روزی تاریخ‌ساز شود پس باید بنگریم که چه می‌کنیم و چه می‌گوئیم.

نکته بعدی محیط دیجیتال و ربط آن با محیط‌های قبلی است که عده‌ای چون تافلر، تیلور، مک‌لوهان و لیوتار و کاستلز و ... آن را گسستی بنیادی از دنیای قبل به حساب آورده‌اند و گفته‌اند که پدیده دیجیتال ماهیتی دارد که با دنیای قبل هیچ ارتباطی ندارد ولی جالب است که تردینیک در کتاب بسترهای اطلاعات دیجیتال آن را امتداد دنیای خطی دانسته است. او گفته است همچنانکه دنیای خطی متن محور بوده و همه علاقه‌مندان به علم در نسخه خطی در کنار هم به اظهار نظر می‌پرداختند و این شامل شارح، حاشیه‌نویس، منتقد و حتی مرصع و مذهب بود، در عالم مدرن اصالت به مؤلف تعلق گرفت و همه اظهار نظر کنندگان را پراکنده کرد اما در دنیای دیجیتال مجدداً این ارتباط برقرار شده و هر کسی می‌تواند حول متن اظهار نظر کند. برچسب‌گذاری مردمی یک نوع مشارکت در متن است. منتها فرقی که این دو محیط دارند این است که در دنیای خطی معمولاً افراد مرتبط و صاحب نظر در کنار نسخه اضافاتی داشتند ولی در دنیای دیجیتال این محدودیت نیست و هر کس ممکن است به خود اجازه دهد که هر چه می‌خواهد بگوید و بنویسد.

تفاوت دیگر می‌تواند در اظهار نظرهای عالمانه و یا گاه بی‌ربط باشد. در محیط خطی معمولاً افراد صاحب نظر درباره موضوعات اظهار نظر می‌کردند ولی در دنیای دیجیتال ممکن است هر کسی به خود حق دهد که هر چه می‌خواهد بنویسد و موجب تشویش اذهان شود و یا به تحریف و دستبرد متوسل گردد. البته در دنیای خطی هم گاهی اوقات اظهار نظرهای بی‌جا دیده می‌شود. گویند کسی قرآن تلاوت می‌کرد، رسید به این آیه: «شَغَلْتَنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا» (فتح، آیه ۷). به این معنا که اموال و خانواده، ما را مشغول کرده است. با خود گفت در قرآن نباید غلط باشد پس «شَغَلْتَنَا» باید بشود «شُدُّرْسَنَا».

قلت و کثرت مراجعه یکی دیگر از موارد اختلاف بین این دو محیط است و پایداری و ناپایداری هم می‌تواند تفاوتی محسوب شود.

نکته دیگری که در این زمینه قابل توجه است این است که در دو محیط مسئولیت با

کیست؟ در محیط میراث مکتوب قطعاً بخش عمده در اختیار کتابداران و یادمانه‌وران (آرشیویست‌ها) است. اما در میراث دیجیتال قطعاً حوزه‌های مختلف باید با هم همکاری کنند. می‌توان گفت که علوم رایانه بسترسازی می‌کند و علوم اطلاعات و دانش‌شناسی دسترس‌پذیری، و راه را برای محتوا آماده می‌نماید و علوم تاریخی به معنای عام آن (یعنی تاریخ همه رشته‌ها اعم از سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و غیره) تحلیل محتوا می‌کند؛ پس سه گروه باید با هم همکاری کنند.

یکی از ایرادهایی که به طبقه‌بندی و نمایه‌سازی وارد می‌کنند این است که آنها بر اساس حفظ ارزش‌های موجود نمی‌توانند آنچه‌ان را که باید محتوا را دسترس‌پذیر کنند و لذا درباره‌گی (aboutness) نمی‌تواند واقعیت را آنچه‌ان که باید بنمایاند. لذا آنها خرد می‌کنند، دیجیت می‌کنند و معنا را نابود می‌کنند. پس نمایه‌ساز باید به خیلی از مسائل اشراف داشته باشد؛ حتی با تاریخ آشنا باشد، با مخاطبان هم آشنا باشد و خواست آنها را بداند.

بدیهی است که این نشانه‌ها در نمایه‌سازی و رده‌بندی کلیت معنا را منتقل نمی‌کند. اشکال نوع نگاه فعلی به اطلاعات در طریق انتقال معنا نیست و با آن منافات دارد. کلیت انتقال معنا شامل حال و هوا، موقعیت، محیط و خیلی چیزهای دیگر می‌شود.

و نکته آخر در تفاوت بین دو فضای مکتوب و فضای به اصطلاح مجازی در هویت‌ساز بودن در مقابل هویت براندازی دومی است که نسبت به فضای مکتوب بسیار متفاوت است. این بدان معنا است که در محیط مجازی شخصیت افراد به سرعت می‌تواند تخریب شود همچنانکه می‌تواند بسیاری از افراد ناسالم را هم جزو افراد خوب جا بزند.

به هر حال برای خوب برگزار شدن کنگره متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی در سال‌های آینده آروزی توفیق دارم.

منبع

تردینیک، لوک (۱۳۹۵). بسترهای اطلاعات دیجیتال؛ رهیافت‌های نظری برای فهم اطلاعات دیجیتال. تهران: چاپار؛ نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.